

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 0049 1633458007  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانعلی  
Tel: 00491757377539  
E-mail: pramzanali@yahoo.de

# ایسکرا

## ۳۱۵

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳۱ خرداد ۱۳۸۵، ۲۱ ژوئن ۲۰۰۶

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیره: عبدال کلپریان

## متن سخنان بهرام سروش در کنفرانس سازمان جهانی کار



بهرام سروش

است و جراحات جدی ای به آقایان اسانلو مدیر کل این سندیکا و صفحه ۲

ایران، بهیچوجه کارگران ایران را نمایندگی نمیکنند. که این افراد اعضای شوراهای اسلامی و "خانه کارگر" رژیمند، اینها ارگانهای دست ساز حکومتند که کارشان کنترل و سرکوب کسارگران است. یکی از نمایندگان این کنفرانس یعنی علی اکبر عیوضی شخصا در راس يك حمله وحشیانه در سال گذشته به سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران بوده

نمایندگان محترم! متأسفانه کارگران ایران در این کنفرانس نمایندگی نمیشوند. بنابراین من افتخار دارم که صدای آنها را به این کنفرانس برسانم. همانگونه که احتمالاً میدانید، بخشهای مختلف کارگران ایران به مدیر کسل آی ال او آقای "خوان سومایا" بارها نامه نوشته اند تا بگویند: که این به اصطلاح "هیئت نمایندگی کارگران" از

## تحرکات گارد آزادی، افتضاحات سیاسی را نمی پوشاند

پاسخ می گیرد، در ۲۲ خرداد در تهران، يك اعتراض کوچک مثل: آن خانم را چرا می زنی؟ منجر به له شدن زیر مشت و لگد بی رحمانه اوپاش لباس شخصی، اوپاشی که دیگر حتی ریش ندارند، و مثل سابق قابل شناسایی نیستند می شود، در تبریز اعتراض به اینکه ما سوسک نیستیم به خون کشیده صفحه ۳

کرد. مسئله آنقدر عیان شده، که همه بتوانند ببینند. همینکه در عرصه تئوری و تاکتیک، کار خراب میشود و در واقع افتضاح سیاسی به بار می آید، تحرکات این گارد و اطلاعیه های پی در پی اش "ضروری" می شوند.

جدا از آنکه، در ایران امروز کوچکترین تجمع اعتراضی با شدت ترین سرکوب و تهاجم

نمایندگان محترم! متأسفانه کارگران ایران در این کنفرانس نمایندگی نمیشوند. بنابراین من افتخار دارم که صدای آنها را به این کنفرانس برسانم. همانگونه که احتمالاً میدانید، بخشهای مختلف کارگران ایران به مدیر کسل آی ال او آقای "خوان سومایا" بارها نامه نوشته اند تا بگویند: که این به اصطلاح "هیئت نمایندگی کارگران" از

### منصور تر کاشوند

نامه چهارم به ایرج فرزاد،  
مجید حسینی و محمد فتاحی  
تحرکات گارد آزادی،  
افتضاحات سیاسی را نمی پوشاند

می شود ضرورت تشکیل و تشدید فعالیت گارد آزادی را در وری پوسته و ظاهر آن، درک

### لیست شماره ۲ در پاسخ به فراخوان مالی حزب

صفحه ۲

### ناموس قبیله

صفحه ۴

اعتصاب ۳۰۰۰ کارگر کارخانه ایران ترانسفو وارد یازدهمین روز خود شد

صفحه ۴

## به سازمانها، نهادها و شخصیت های مدافع حقوق انسان

### در مورد حضور قاتلین جمهوری اسلامی در اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو



اصغر کریمی

رونوشت: شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد - رسانه ها

است. قوه قضائیه یکی از ارگانهای مهم تحکیم بندهای اختناق و بیحقوقی مردم است و سعید مرتضوی از سالها قبل رئیس آن بوده است. او یکی از سران رژیم است و در صف اول کسانی است که با سقوط جمهوری اسلامی باید به محاکمه کشیده شوند نه اینکه در يك مجمع حقوق بشر شرکت و اظهار نظر کند.

مردم ایران و همه انسانها و نهادهای آزادیخواهی که در اقصی نقاط جهان حضور این قاتل حرفه ای و همکار جنایتکار دیگرش را، که کاری جز سلب ساده ترین آزادی های مردم ایران در طول سالیان طولانی نداشته اند، در اولین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد يك دهن کجی آشکار به خود میدانند و محکوم میکنند. واقعا شرم آور است که در نهادی که نام حقوق بشر بر خود گذاشته است، چنین جنایتکارانی حضور یافته اند. لازم به توضیح است که دو هفته قبل نیز یکی از عوامل سرکوب و جنایت علیه کارگران ایران از طرف جمهوری اسلامی در کنفرانس آی ال او شرکت کرد که آی ال او تحت فشار مجبور شد از جمهوری اسلامی در مورد سوابق هیئت مربوطه سوال کند و پرونده آنها را مورد بررسی قرار دهد. مردم زجرکشیده ایران ضمن محکوم کردن شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد بخاطر حضور

حضور قاضی سعید مرتضوی دادستان کل تهران همراه با جمال کریمی راد سخنگوی قوه قضائیه بعنوان هیئت جمهوری اسلامی ایران در اولین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تعجب و نفرت همگان را برانگیخته است. سعید مرتضوی یکی از مهره های مهم سرکوب در ایران است. بسیاری از قتل ها و سنگسارها به دستور مستقیم او اجرا شده است، شکنجه و قتل زهرا کاظمی روزنامه نگار شهروند کانادا زیر نظر او انجام گرفت، صدها نفر از دختران و پسران جوان به جرم عدم رعایت حجاب و موازین اسلامی به دستور او دستگیر و شلاق خورده اند، بسیاری از پرونده های زندانیان سیاسی از جمله کارگران شرکت واحد و دانشجویان را او هدایت کرده و بسیاری از روزنامه های مجاز هم بدستور مستقیم او توقیف شده

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

تعداد دیگری از فعالین سندیکا وارد آورده است. آقای اسانلو هنوز بعد از نزدیک شش ماه بخاطر شرکت در تشکیل این سندیکا در زندان بسر میبرد. در ژانویه امسال حدود ۱۰۰۰ نفر از رانندگان و کارگران اتوبوسرانی تهران را بخاطر اینکه در اعتصاب شرکت کرده بودند دستگیر و زندانی کردند. در ایران کارگران را بخاطر فعالیت متشکل و یا شرکت در اعتصاب

## متن سخنان بهرام سروش . . .

زندانسی میسکنند. بیش از یک میلیون نفر از کارگران ایران دستمزدشان از چند ماه تا ۲ سال و سه سال پرداخت نشده است کارگران نساجی کاشان، قزوین، و صدها کارخانه دیگر در نقاط مختلف ایران ماههاست که دستمزدشان پرداخت نشده است و بدون هیچ درآمدی رها شده اند. حداقل دستمزد در ایران حدود یک سوم خط فقر به میزانی است که خود حکومت اعلام کرده است.

همین اخیرا ۵۰ نفر از کارگران کارخانه ماشین سازی "ایران خودرو" به خاطر شرکت در اعتصاب اخراج شدند کمتر از سه سال پیش نیروهای انتظامی این حکومت بروی کارگران معدن مس خاتون آباد آتش گشودند و چهار نفر از آنها را کشتند.

این لیست تمام شدنی نیست.. حرف ما اینست که رژیم اسلامی ایران بهمراه شوراها و "خانه کارگر" باید بخاطر سرکوب وحشیانه کارگران، بخاطر محروم کردن کارگران از حقوق از نظر بین المللی برسمیت شناخته شده آنها یعنی حق اعتصاب و حق تشکیل و حق قرارداد جمعی، بخاطر محروم کردن کارگران از دستمزدی



انسانی، بخاطر محروم کردن کارگران از زندگی انسانی، بخاطر همه این جنایات باید از آی ال او اخراج شوند.

خانمها و آقایان نمایندگان محترم و هیئت های نمایندگی کسب و کارگزاران! تقاضا دارم که از اختیارات و حقوق خود بعنوان نمایندگان آی ال او استفاده کنید و بر اخراج فوری رژیم ایران و شوراها و اسلامی و خانه کارگرش از آی ال او پسافشاری کنید. آی ال او نباید به این سرکوبگران کارگران ذره ای مشروعیت بدهد. نمایندگان واقعی کارگران ایران باید اجازه یابند در کنفرانسهای آی ال او شرکت کنند

جمهوری اسلامی و شوراها و اسلامی از آی ال او بیرون!  
**زنده باد همبستگی جهانی**

از صفحه ۱

## به سازمانها . . .

این جنایتکاران، مصرانه خواهان آن هستند که:

۱- قضاوسی مسترضوی و جمال کریمی راد توسط دولت سویس دستگیر و در دادگاهی عادلانه مجازات شوند.

۲- جمهوری اسلامی از همه مجامع جهانی اخراج شود. از همه نهادها، سازمانها و مدافعین حقوق بشر انتظار میروید که نسبت به این بی اعتنائی و دهن کجی آشکار به مردم ایران به تندی عکس العمل نشان دهند و از این خواست ها حمایت کنند.

**با احترام**  
**اصغر کریمی**  
از طرف حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۲۰ ژوئن ۲۰۰۶

سعادت انسانها است.

حزب باید فعالیت های خود را گسترش دهد و به رسانه های بیشتری مجهز شود تا صدای خود را گسترده تر به گوش مردم برساند و این در گرو بهبود وضعیت مالی حزب است. با تمام توان خود به یاری حزبتان بشتابید.

## لیست شماره ۲ در پاسخ به فراخوان مالی حزب

را همراهی کرده اند و پاسخ مثبت داده اند صمیمانه قدرانی میکنیم. این حزب کارگران، حزب استعمار شونندگان، حزب سکولارها، حزب مدافعین برابری زن و مرد، حزب مدافعین آزادی و رفاه و

حداقل ۳۸۵۵۲۰ دلار دیگر ظرف چهار هفته آینده باید جمع آوری شود. بالغ بر ۷۰ هزار دلار نیز تعهد داده شده است که بدنبال عملی شدن تعهدات، اعلام خواهد شد. از تمام دوستانی که این کمپین

کمپین حزب برای جمع آوری ۵۰۰ هزار دلار در ظرف شش هفته وارد دومین هفته خود شد. در دو هفته گذشته جمعا ۱۱۴۴۸۰ دلار از ایران و سایر کشورها به حساب های حزب واریز شده است.

## مردم به یاری حزب خود بشتابید!

**شماره حساب ها:**

**انگلیس:**

Account nr. 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

**سوئد:**

پست جیرو 3-60 639 60  
صاحب حساب IKK

**آلمان:**

Dariush sfa  
Konto Nr:894922303  
Kredit Institut  
Post bank Hannover  
BLZ:25010030

**کانادا:**

TD Canada Trust  
A. Mikanik  
transit#1672  
Institution#504  
Acc#6235975

|         |                         |             |
|---------|-------------------------|-------------|
| هلند:   | فرشته مرادی و بهمن خانی | ۲۰۰۰ دلار   |
| فنلاند: | عبدل گلپریان            | ۱۰۰ یورو    |
|         | عمر معروفی              | ۵۰۰ یورو    |
|         | شایسته رازی             | ۲۰۰ یورو    |
|         | فرهاد زندگی             | ۲۰۰ یورو    |
|         | مهوش گلپریان            | ۵۰ یورو     |
|         | کمال کاظمی              | ۵۰ یورو     |
| آلمان:  | محمد کریمی              | ۱۲۰ یورو    |
|         | مهین درویشیان           | ۳۰۰ یورو    |
|         | علی محسنی               | ۶۰۰ یورو    |
|         | بابک دوست شگری          | ۱۲ یورو     |
|         | محمد                    | ۲۰ یورو     |
|         | فرزانه درخشان           | ۲۰ یورو     |
|         | جمع لیست شماره ۲        | ۴۳۶۰۰ دلار  |
|         | لیست شماره ۱            | ۷۰۸۸۰ دلار  |
|         | جمع کمک تاکنونی         | ۱۱۴۴۸۰ دلار |

|         |                                 |                             |
|---------|---------------------------------|-----------------------------|
| سوئد:   | کریم شامحمندی                   | ۲۰۰۰ دلار                   |
|         | آذر پویا                        | ۳۰۰۰ کرون                   |
|         | جاوید از مالمو                  | ۱۱۰۰ کرون                   |
|         | واحد سوئد سازمان جوانان کمونیست | ۴۰۰۰ کرون                   |
|         | از طریق تشکیلات سوئد            | ۳۵۰۰۰ کرون                  |
|         | شهاب بهرامی                     | ۱۲۵۰۰ کرون                  |
|         | کمک از طریق فریاده آرمان        | ۷۰۰ کرون                    |
| کانادا: | عباس محمدی                      | ۵۰۰۰ دلار                   |
|         | امیر روشن                       | ۳۵۰ دلار                    |
|         | گیتی موسوی                      | ۲۰۰ دلار                    |
|         | بانو مخبر                       | ۵۰ دلار                     |
|         | مجید سپاسی                      | ۵۰۰ دلار                    |
|         | فاندریزینگ از طریق واحد کانادا  | ۳۰۳ دلار                    |
| آمریکا: | سهراب وفا                       | ۵۰۰۰ دلار                   |
|         | عباس ایاق                       | ۱۰۰۰ دلار                   |
|         | ستار و یاسمین نوریزاد           | ۱۰۰۰ دلار                   |
|         | سعید مدانلو                     | ۵۰۰۰ دلار علاوه بر کمک قبلی |

از صفحه ۱

## تحرکات گارد آزادی ...

می شود، در همین کردستان اعتراض به قتل یک جوان با یورش وحشیانه پاسخ می گیرد، و یسا اعتصاب کارگران شرکت واحد برای تامین حداقل استانداردهای زندگی با بریدن زبان و زندان روپرو می شود، باور به حضور مسلحانه در میان مردم و حتی در کردستان و به کرات، آن هم بدون هیچ مالیات و عواقبی، دشوار است. اما این هم موضوع مسئله ما نیست، کاش همینطور باشد که اطلاعیه های شما القاء می کنند.

گارد آزادی، پاسخ نقدها به افتضاحات تاکتیکی و سیاسی و تئوریک نمی شود \* مشکل شما را در عرصه های تئوریک و تاکتیک حل نمی کند. با هیا هو حول تحرکات گارد آزادی اگر چه ممکن است صدا های " داخلی " ساکت شوند و پتانسیل انقلابی بر خی از دوستان رادیکال تامین، ولی صدای اعتراضات و نقد های بیرونی را نمی شود ساکت کرد.

بیرون حزب شما، چشم و گوش مردم باز است، مقایسه میکنند و می فهمند که، این همه تفاوت بین بر خورد در تهران و کردستان قابل قبول نیست، مقایسه می کنند و می فهمند که آزادی بیان مورد نظر شما آزادی بیان مورد نظر ارتجاعیترین بخش حکومت اسلامی است، تعبیر شما از این بند از برنامه یک دنیای بهتر درست در مقابل تعبیر منصور حکمت و کمونیزم کارگری ست، مقایسه می کنند و در میان بند که تاکتیک شما در برابر خطر جنگ افتضاحی غیر قابل دفاع و هیا هوی خطر جنگان بیش از حد " کیهانی " است. می شود فهمید که تلاش برای فرار از این افتضاح تاکتیکی، شما را به حمایت از اشاعه تنفر قومی و تحقیر مردم معترض تبریز کشید.

در نامه اول این اطمینان را داده بودیم که با روش شناخت کور ش مدرسی سر تند پیچ سیاسی بعد گیر خواهید افتاد و این اتفاق، اتفاقا روی داده است.

هر ناظر دقیقی، در دو هفته اخیر، بحران در سایت های شما را به

راست دست بالا دارد / مجاز دانستن شرکت در دولت ائتلافی با دو خرداد / فلسفه و اصول شناخت / ..... / انتخاب سیاسی خاصی کرده اید و در کنار طبقه دیگر قرار گرفته اید و امروز با هیا هوی تحرکات گارد آزادی مسئله و مشکلات حل نمی شود. با اخطار فرماندهان گارد شما به نیروهای جمهوری اسلامی ممکن است " داخلی ها " ساکت بشوند و مرعوب، اما ما بر عکس، پرسش و نقد مان عمیقتر می شود.

کسی که سوسیالیسم را انقدر دور میبیند که میگوید: مردم را رم می دهد، کسی که تعبیرش از آزادی بی قید و شرط بیان آزادی اوباش دولتی علیه مردم است، کسی که هنوز خطر " امپریالیسم امریکا " و " دارش می کند که همان منشور سرنگونی را هم زیر پا بگذارد، در عمل دارد پایش را در یک انتخاب سیاسی دیگری سفت می کند. " عقل " واقعیش دارد به سراغش می آید.

در ما جای آذر بایجان، از مقدمه ای آزادی بی قید و شرط بیان ما به محکوم کردن حمله اوباش حزب الله به مردم و محکوم کردن روزنامه دولتی رسیدیم و شما بر عکس به محکوم کردن مردم و آزادی بی قید و شرط کاریکا توریست روزنامه دولتی.

از یک بند مشترک بر نامه ای به دو موضع، به دو سیاست، به دو طبقه رسیدیم. و دو راه متفاوت را دنبال و انتخاب و عمل کردیم. شما بی آنکه به کسی توضیحی بدهید، بر سر حرف و نظر خود نماندید، همه چیز را برای حفظ ابرو و وجهه ای اجتماعی دلالت کردید و ما بر عکس شفاف و روشن بر سر آنچه از اول گفتیم ماندیم و وسیعتر و عمیقتر وزمینتر شدیم.

در ارتباط با جنگ هم همین است، در این یکی هم دچار فراموشی شده اید، دوباره بی هیچ توضیح و شرحی، بی هیچ نقدی به نوشته " بحران هسته ای یا بحران به بهانه هسته ای " کورش مدرسی که در آن صراحتا سرنگونی و سرنگون طلبی منتفی شده بود، دوباره سرنگون طلب شده اید، و البته برای تثبیت درس " فراموشی "، دو باره

تحرک گارد آزادی " ضروری " شد. می شود اثبات کرد که تعدد و تفاوت نظر برداشت و درک ما و شما بسیار مشابه بارو مترمقا یسه بین نظرات دو جبهه ای اصلی نبرد طبقاتی در ایران امروز از آب درآمده است.

راستش اینک شما بطور غریزی مدام به ما فحش می دهید، اینکه از همه احزاب و گروه های سیاسی فقط ما را به فحش و ناسزا می گیرید، اینک نود درصد سایت هایتان در " نقد " ما رونق می گیرد و به قول مصطفی صابر " تنا دوجه فحش به ما را قورت ندهید روز را به شب نمی رسانید " اصلا، تصادفی نیست. شما از موضع آگاهترین بخش آن طرف قائله، به ما حمله می کنید و البته منبع نبرد نیز شد یدترین پاسخها را خواهید گرفت.

ادبیات لومپینی و سراسر توهین به همه، ادبیات منصور حکمت نیست، این سبک و ادبیات و راه و روش همان چپهایی است که در پنجاه و هفت سنبل ساده لوحی بودند. در پنجاه و هفت مردم " خر " نشدند، اگر منظور کورش مدرسی در کاربرد این کلمه در توصیف مردم سالهای انقلاب ۵۷، توصیف ساده لوحی در آن سالهاست، این به رهبری همان چپی می چسبید که در آن سالها فکر می کرد / سوسیالیسم زود / امپریالیسم خطر عمده / خمینی ضد امپریالیست / حفظ وحدت ملی در اولویت / .... / بورژوازی ملی مشکل است / ..... / چپی که همانقدر می فهمید که کسی د یسد! همان چپ سنتی و جا مانده از شاهراه تمدن بشری که بیشترین ضربه را در آن سالها به جنبش مردم اهل تغییر زد، فدایی، پیکاری، رزمندگان و وحدت انقلابی و تئوریسین های نیمه مسعمره نیمه فنودال ..... و غیره، که بیشترین نیروها را به هز بردند.

ما کسی را " دست " نمی اندازیم (مهرنوش موسوی / ما به قوم الله ..... ) نقد می کنیم اما این نحوی بر خورد، این " دست " انداختن و تحویل نگرفتنها خاص همان چپ است.

بهمان چپ که، در ادبیات، به اندازه ای حرمتش به انسان مودب و اتو کشیده بود و در نوع

ابراز وجود و روشهای سبک کار و فلسفه و سیاست و تاکتیک به همان اندازه که از لنین و مانو میدید و می فهمید " مارکسیست " بود می چسبید، و امروز شما سخت به احیای کمر بسته اید.

امروز، ساده لوح کسبست که عضو حزبی شده است که با همه ای هیا هوی حکمتیش، عجز از درک ابتدائترین نقد های منصور حکمت را به نمایش عمومی گذاشته است.

ساده لوح وصف حال کسانی است که به رغم گذشت حدود دویست سال از ظهور نقد هگل به فلسفه هنوز هم با دوقطبی های مومیاپی مثل " جبر و اختیار " جهان پیرامونشان را تعبیر و تفسیر می کنند و با کند ذهنی غیر قابل باوری این خزعبلات را به منصور حکمت می چسبانند و به رغم سکوت و عقب نشینی برای دروغ پردازی، از عذر خواهی سر باز می زند.

ساده لوحی وصف حال استراتژیست است که در خطر احتمال جنگ بین دو قطب تروریستی دنیا موجود، با ندیدن خطر اسلام سیاسی، فقط " نه به جنگ طلبی امریکا " را تبلیغ می کند و تا حد تئوریسین حکومت دینی سقوط کرده است. این نظرات بازگشت به گذشته اند و به همین اعتبار ارتجاعیند.

ساده لوح وصف حال آن فر مانده گارد آ زاد یست که برای اشاعه این نظرات ارتجاعی از جان مایه می گذارد و به شهرهای کردستان می رود. وصف حال کسانسی است که با ادعای حکمتیست و بودن در خط و ریل منصور حکمت و ادعا " حافظ " حکمت بودن، چه در فلسفه و روش شناخت و چه در بدیهی ترین مسائل مثل همین آزادی بی قید و شرط بیان ویا در بر گذیدن توهین و تحقیر طرف مقابل بجای نقد، هنوز عجز از درک الفبا را به معرض نمایش عمومی می گذارند است، نه وصف مردمی که بدون ادعا از جان گذشتند و می گذرند و برای اعتراض به هر آنچه که هست و طلب برابری و آزادی و رفاه عمومی به خیا بانها ریختند و می ریزند.

مردم ادعای " دانایی و

از صفحه ۳

**تحرکات گارد آزادی ...**

حکمتیستی و استراتژیستی " ندارند و لذا خطا هایشان نمی تواند ساده لوحی و "خرشدن" توصیف شود، اما مدعیانی که با يك دریا ادعا، درک سطحیشان را به نمایش عمومی گذاشته اند و دو باره « راه و روش كسب در برف فتاحی در یادداشت کوتاه زیر عكس در بین دوستان فقط محمد منصور تر کاشوند

« را پیشه کرده اند، البته که ساده لوحند و باید اخطار بگیرند! ۲۵/۳/۸۵ منصور تر کاشوند

در بین دوستان فقط محمد فتاحی در یادداشت کوتاه زیر عكس

**ناموس قبیله****(این ماجرا واقعی است)**

را هم باید میزد. بنا بر این سکوت کرده بود و هر روز فاصله دبیرستان تا خانه را وحشتزده و با اضطراب طی می کرد.

آن روز به این می اندیشید که سیزیف میتواند نفس راحتی بکشد که ناگهان هراسان شنید: ... مادرت مقابل منزل ما تصادف کرده... او را به خانه ما بردند... مادرم مرا فرستاده... شوک ناشی از خبر بر عقل نارس نوجوانی غلبه کرد. تنها زمانی دریافت که فریب خورده است که در خانه خلوت خود را تنها یافت...

در يك آن زمین و هر آنچه در آن بود به هم ریخته بود. جسم ناتوانش را بر پیاده روی خزان زده می کشید. در آن شرایط استیصال تنها نقطه امن جهان را طلب می کرد: آغوش مادر را گفته می شد تا مدتها رد سرخ برجا مانده بر

اهل گیلان غرب بود. سرزمینی بدوی که در آنجا هنوز هم قوانین عشیره ای و قبیله ای محکمتر از هر قانون دیگری است.

سالهای دبیرستان را می گذرانید. با آنکه هیچ افتخاری بجز ازدواج بر او مجاز شناخته نشده بود او به فراسوهای دیگر می اندیشید.

زیبا بود آرام و بی اعتنا. چشم های زیبای دنبال او بودند ولی هر پیوندی برای او چیزی بجز تداومی اسارت مادر نبود.

از دبیرستان که بیرون آمد تنها به راه افتاد خیالش راحت بود که آن جوانک مزاحم پیدایش نیست. نمی توانست از کسی کمک بخواهد اگر دهانش را باز می کرد برا درانش خون به پا می کردند. قید دبیرستان

**اعتصاب ۳۰۰۰ کارگر ...**

همانطور که قبلا به اطلاع رساندیم از روز شنبه ۲۰ خرداد برابر ۱۰ ژوئن تمامی کارگران و کارکنان کارخانه ایران ترانسفو واقع در ۵ کیلومتری زنجان در تحصن و اعتصاب بسر میبرند. بنا به گزارش رسیده به حزب کمونیست کارگری، تمامی ۳۰۰۰ نفر کارگران و کارکنان ایران ترانسفو به خارج کردن بخشهای توزیع و تولیدات جیبی این کارخانه از زیر پوشش "ایران ترانسفو" و انتقال آنها به يك شرکت جدیدالتاسیس اعتراض دارند و این یکی از موضوعات اصلی اعتراض و اعتصاب کارگران است. کارگران میگویند "چند نفر میخواهند شرکتی به این بزرگی را تکه تکه کنند و کارگران را مثل برده به همراه ماشین الات به شرکت جدید التاسیسی بفرستند که مقرراتش چیزی شبیه برده داری است و نه آنطور که میگویند يك شرکت تخصصی". خواست دیگر اعتصابیون انحلال شوراهای

العملی نشان داده است. اصل نامه ایشان و پاسخ به آن:

سلام منصور جان امیدوارم حالت خوب باشد. جهت اطلاع شما من و مجید حسینی در کردستان مشغول مامشات با ناسیونالیسم کرد هستیم ایرج هم احتمالا از آنها رشوه گرفته که به شما پاسخ نداده. نتیجتا بدون

سنگفرش خیابان بر سببیت يك جنایت گواهی می داد.

مادر را که بیافت در محاصره بازوان او از حال رفت. مادر فراوان گریسته بود اما نه بر مظلومیت بی گناه او که بر ناموس پامال قبیله. در دور دست ها در میان مردمان متمدن در چنین مواقعی تنها يك تیم خبره داوطلب می شدند تا صد مات روحی قربانی را التیام بخشند. دریغا که در اوج توحش اجدادی در این گوشه بی قانون دنیا حتی سعی نکردند مسکنی باشند بر آرام فیزیکی او.

دکتر گفته بود اگر هر چه سریعتر بستری نشود از دست می رود ( چه حرفها" لکه ننگ را باید زودتر پاک می کردند)

در زیر زمین نور خانه به جانش افتادند آن قدر کتکش زدند تا جان مختصرش به لب برسد اما مرگ نمی آمد نیروی سرشار جوانی مقاومت میکرد. شکنجه تداوم می یافت و او لبهائش را به هم دوخته بود

اسلامی در این کارخانه است که نقش یاد و مدیریت را ایفا میکنند. در اثر اعتصاب تمامی فعالیتهای تولیدی و فروش و واحدهای اداری آن در زنجان به حالت تعلیق و تعطیلی کامل در آمده است. کارگران اعلام کرده اند تا رسیدن به خواستههایشان به این حرکت اعتراضی ادامه خواهند داد. روز ۲۹ خرداد کارگران این کارخانه با سر دادن شعار "کارگران اتحاد اتحاد" بر خواستههای خود پافشاری کردند. شوراهای اسلامی فعالانه تلاش میکنند این اعتراض را بخوابانند و با سیاسی قلمداد کردن

اینکه نا امید بشی، به کارت ادامه بده، با اینکه من شخصا وقت نمی کنم نوشته های زیادی را بخوانم، و واقعا نمی دانم چی در مورد ما نوشتید.

تابستان خوبی داشته باشید. محمد فتاحی - ۲۵/۳/۸۵

و هیچ نمی گفت اما سکوت رنجیده اش رساتر از هر اعتراضی فریاد می زد به کدام جرم؟؟؟

سرانجام صبح زود همه چیز پایان یافت مردان با غیرت خانه که از انتظار خسته شده بودند خود به استقبال مرگ رفتند ولی چون گره طناب را محکم نبسته بودند مرگ تنبل باز به تدریج و آهسته آهسته می آمد. بلاخره تمام شد سیزیف سرانجام مرده بود. (راحت شده بود). مردان با غیرت خانه حتی به دنبال مسبب هم نرفتند. آنقدر شجاع و قوی بودند که چند نفری از عهده يك دختر برآمده بودند. حالا می توانستند سرشان را بالا بگیرند و به مردانگیشان وزور بازویشان ببالند. آنها حتی نگران چنگال عدالت نبودند عدالت گنبدیده قانون قضاوتشان را تایید می کرد.

سالها بعد مردی با اکراه دخترش را به دبیرستان میبرد و دختر هرگز نمی فهمید که این بابای خشکه مذهبی و خشن در يك غروب

سلام وخسته نباشید انسانها ذاتا دروغگو نیستند، وقتی سخت در فشار باشند این کار را می کنند و البته رنجش را نیز متحمل می شوند.

منصور تر کاشوند ۲۶/۳/۸۵

پاییزی در نزدیکی همین دبیرستان به دختری چه گفته است. حالا در آنجا که تنها انسان ارزان است همه چشمشان را بر ماجرا بسته اند. بودن و نبودن يك زن چه اهمیتی داشت ناموس قبیله مهم بود.

پا یان نکته: در قوانین جزایی ایران پدر یا جد پدری که فرزند خود را به قتل برساند قصاص نخواهد شد و اگر این جرم را برادر خانواده مرتکب شود با رضایت ولی دم ماجرا فیصله می یابد. این ماده قانونی نه تنها از نظر زن ستیزی که از نظری اعتنایی به جان انسانها با کلیه قوانین حقوق بشر در تضاد کامل است و چه شرم آور است که قانون آنجا که باید به حفاظت تبدیل شود برای حراست حق حیات انسانها با چشم فرو بستن بر سنت های جاهلانه عملا به تداوم جنایت کمک می کند.

**رزا - م ایران**

ایران حرکت تلاش میکنند کارگران را مرعوب کنند اما این تلاش به انزوای بیشتر آنها در میان کارگران منجر شده است. بنا به این گزارش هر روز افرادی از دست اندرکاران "حراست" و "وزارت نسیرو" و استانداری قزوین به کارخانه می آیند و با وعده و وعید و تهدید و تفرقه افکنی تلاش میکنند کارگران را از ادامه اعتراض خود بازدارند. با عزم و اتحاد کارگران، تمام این تلاشها بی نتیجه مانده است و کارگران بر خواست خود پافشاری میکنند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۳۰ خرداد ۱۳۸۵ ۲۰ ژوئن ۲۰۰۶

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب و تحصن کارگران ایران

**مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**